

نگاهی گذرا به واژه وراء در قرآن

زهره سبحانی^۱

چکیده

با توجه به این که قرآن کتاب هدایت بشر و معجزه‌ای از جانب خداوند مهربان است، تک تک آیات و الفاظ

آن دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که با بررسی و تدبیر در آن می‌توان به ویژگی خاص آن دست یافت

که این تحقیق در نظر دارد این مهم را در مورد لفظ وراء بررسی نماید.

این تحقیق در بخش‌های معنای لغوی، جایگاه نحوی، روابط جانشینی و همنشینی و بلاغی لفظ وراء تهیه شده است. وراء ظرف مکان و دائم الاضافه و از اضداد است، در معنی پس و پیش که با کلمات همنشین خود می‌تواند حامل کنایه، تضاد، تمثیل و حتی معنی غیر قابل پیش‌بینی چون فرزند فرزند باشد.

کلید واژه: وراء، ظرف، خلف، بلاغت، قرآن.

۱- مقدمه

درک صحیح و فهم مفاهیم کتاب هدایت بشر امکان‌پذیر نیست مگر با آشنایی الفاظ و جملات آن در راستای فهم عمیق‌تر الفاظ قرآنی بر آن شدیم تا حروف و ظروف کاربردی در قرآن کریم که مورد غفلت قرار گرفته و کمتر بر روی آن‌ها تحقیقی صورت گرفته است را مورد واکاوی قرار دهیم که پژوهش مزبور به یکی از ظروف قرآنی (ware) می‌پردازد.

این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای خواهد بود، تا همه افراد و خصوصا طلاب که در پی یافتن واقعیت‌های نهفته در کتاب الهی هستند بتوانند از آن استفاده کنند. در این جریان به بررسی معنای لغوی وراء با توجه به منابع

^۱ طلب سطح ۳ مرکز تخصصی ام الائمه (سلام الله علیہ)

دست اول، وراء در منابع و کتب نحوی، رابطه جانشینی‌ای که با واژه خلف دارد، همنشینی وراء با اسماء اشاره، ضمایر و سایر اسم‌ها و وراء در بلاغت که با تأمل در تفاسیر بوده است، خواهیم پرداخت. با توجه به وجود ترجمه‌های بسیار زیاد و تفاوت آن‌ها با یکدیگر بحثی تحت عنوان مقایسه ترجمه‌ها در خاتمه آورده‌ایم.

۲- معنی لغوی وراء

هر واژه‌ای که در تعامل و روابط بین انسان‌ها به کار می‌رود منتقل کننده بار معنایی خاص است که در برقراری رابطه بهتر، افراد بشر را یاری می‌نماید، و از آن جا که واکاوی ریشه‌ای هر کلمه در یافتن مقصود گوینده مفید و موثر است، خصوصاً اگر گوینده، حکیمی باشد که بسیار دقیق و عمیق است، فهم درست از واژه‌ها و الفاظ ما را به هدف خواهد رساند؛ در نتیجه با معنی لغوی بحث را آغاز خواهیم کرد.

۱-۲- کلمه وراء در قرآن در سه معنی به کار رفته است؛ ۱) خلف: پشت سر: (إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجَّرَاتِ) (حجرات ۴) ۲) أمام: رو برو (وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصِّبًا) (کهف ۷۹) ۳) سوی: استثناء: (فَمَنِ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ) (معارج ۳۱) (شبكة منتديات الوطن الموريتانية)

سیوطی این معنی را چهار عدد ذکر کده است؛ ۱) أمام: (أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرْدَتْ أُنْ أُعِيَّهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصِّبًا) (کهف ۷۹) کلمه وراء‌هم این‌جا به معنی رو برو است برای این‌که این ظالم در صدد بودند برای کشته‌ای که بر او می‌گذرد. ۲) خلف: (وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الظِّلِّينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنَنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكُتُمُونَهُ فَبَنَذُوهُ وَرَأَءَ ظُهُورِهِمْ) (آل عمران ۱۸۷) بعد (فَبَشَّرَنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ) (ھود ۷۱) ۴) غیر: (وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ * إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أُوْ مَا مَلَكَتْ أُيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مُلُومِينَ * فَمَنِ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ) (۷-۵ مؤمنون) (سیوطی (الإتقان في علوم القرآن)

کلمه وراء از ماده موارات و تواری بوده، و به معنی پوشیده بودن و پنهان شدن مطلق است، و از همین معنی باشد

کلمه توریه در مقام سخن گفتن که به قصد پوشانیدن مطلب صورت می‌گیرد. پس وراء به معنی چیزیست که

خارج و پوشیده و از حضور و نظر پنهان و مستور باشد، و آن اعم است از آنکه در پشت یا در مقابل قرار گیرد.

و مفهوم آن به نسبت طرف مقابل فرق می‌کند. گفته می‌شود: ورای عالم دنیا، ورای مطالب معین، ورای افراد

معلوم، ورای این زمان یا آن مکان. (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۵)

۲-۱- وراء به معنی پس و پیش آمده است (امام و خلف) و در هر دو به کار می‌رود چنان‌که راغب (مفردات

الفاظ القرآن؛ ۸۶) و دیگران تصریح کرده‌اند، و در اقرب الموارد گویند: آن از اضداد است و در کتب اضداد این

لفظ را دال بر خلف و امام هر دو، دانسته‌اند. (منجد، ۱۹۹۹، ص ۲۱۳)

۲-۲- وراء در معنی پس و پیش: طبرسی معنای اصلی وراء را «پس» می‌داند که در جلو و پیش بطور

اتساع به کار رفته است. فیومی در مصباح می‌گوید: وراء کلمه‌ایست مؤنث به معنی زمان بعد و زمان قبل و اکثر

در اوقات به کار رود زیرا وقت پس از انسان می‌آید و در وراء انسان واقع شود و اگر انسان آنرا درک کند در

پیش انسان واقع گردد، استعمال آن در اماكن جایز است و در قرآن آمده (وَ كَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ) (کهف: ۷۹) یعنی

پیش از آنها پادشاهی بود. (فیومی، بی‌تا)، ج ۲، ص ۶۵۶ و قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۴۰۴)

وراءُ و الوراءُ، همگی به معنی پشت، پشت سر (خَلْفٌ و قُدَّامٌ) است، (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۹۴) و مصغرّ

آن در نظر سیبویه "وُرَيْثَةٌ" است که همزه آن اصلی و غیر منقلب از یاء است. ابن بَرَّی: به تحقیق جوهري ذکر

کرده آنرا در معتلات و همزه آن را منقلب از یاء قرار داده است. (واسطی، زبیدی، حنفی، حسینی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۷۴ و

۲۷۵) گفته این عقیده کوفیون است، و مصغرّ آن در نظر کوفیون "وُرَيْثَةٌ" بدون همزه است.

ثعلب: الوراءُ = الخَلْفُ، ولی هنگامی که از چیزهایی باشه که از آن گذر می‌شود (مرور می‌شود) بر آن پس آن

به معنی قُدَّام است. و همچنین حکایت کرده‌اند وراء را به صورت "الوراءُ" با «أَلْفٌ و اللام». در قرآن «مِنْ وَرَائِهِ

جَهَنَّمُ» یعنی بین دستان او. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۹۴) و زجاج: وراء برای خلف و قُدَّام می‌باشد،

(قرشی، ۱۳۶۱، ج ۲: ص ۲۸۴) و معنای آن؛ چیزی است که پنهان و پوشیده از تواست یعنی آنچه که پوشاند [معنی

باب افعال مطابعه است: پوشید پس پوشانده شد.] از تو است. این از اضداد نیست همان گونه که بعضی از اهل

لغت گمان کرده‌اند. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱: ص ۱۹۴) با توجه با آیات قرآن معنی تضاد از لفظ وراء فهمیده می‌شود.

۲-۲-۲- (فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحاقَ وَ مِنْ وَرَاءِ إِسْحاقَ يَعْقُوبَ) (هود، ۷۱) و قيل الوراء: ولد الولد: بچه بچه (نوه) منظور

است، که وراء استعاره از فرزند فرزند استعمال شده است. (قرشی، ۱۳۶۱، ج ۷: ص ۲۰۴ و فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸: ص ۲۹۹ و ...)

۲-۳- اصل کلمه وراء

۲-۳-۱- برای همزة وراء دو قول وجود دارد: ۱) در اصل کلمه بوده است. ۲) همزه منقلب "ياء" است ولی

جایز نیست منقلب "واو" باشد، چون وقتی فاء الفعل واو است لام الفعل واو نخواهد بود مگر ندرتاً. در ضمن

وراء را اسم ممدود می‌دانند که یک بار آنرا به معنی روبرو (قدام) و یکبار خلاف آن آورده است، (صاحب بن عباد،

کافی الكفاء، اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۱۰: ص ۲۹۳) و در العین در حالی که آن را اسم ممدود می‌داند آن را بر خلاف

قدام می‌داند. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸: ص ۳۰۰)

۲-۳-۲- وراء در اصل مصدر است که آن را به عنوان ظرف قرار داده‌اند، گاهی آن را به فاعل اضافه می‌کنند و از

آن ما یتواری به قصد می‌کنند و آن خلفست و گاهی آن را به مفعول اضافه می‌کنند و از آن ما یواریه می‌خواهند

که آن قدام است و بدین جهت آن را از اضداد شمرده‌اند و در آیه (وَ يَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ) مراد اولی است یعنی

نمی‌گرond به آنچه در خلف ایشان است و عقب ایشان است. (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۱: ص ۲۳۵)

۳- وراء در علم نحو

ادبیات و دستور زبان و آیین نگارش هر گفتار و نوشتاری را توجه نماییم به سبک خاص و قواعد ویژه‌ای برخورد خواهیم کرد که تأثیر بسزایی در انتقال پیام آن زبان ایفا می‌نماید، در زبان عربی به این قواعد، در علم نحو پرداخته می‌شود که ما در این بخش به قواعدی که لفظ وراء از آن متأثر است می‌پردازیم.

۳-۱- اسم‌ها وقتی اضافه به اسم دیگری می‌شوند؛ اقسامی متفاوتی می‌یابند، از جمله: ۱) آنچه که اضافه در آن لازم است و به صورت مفرد استعمال نمی‌شود و این‌ها ظروف؛ عند، لَدَى، لَدَن، بَيْنَ، وَسْط، دُون، مَعْ، سُوْى، إِذَا، حَيْثُ، حَدَّهُ، حَذَاءُ، تَجَاهُ وَ تَلَقَّاءُ وَ غَيْرَ ظروف چون مثل، شَبَهٌ، غَيْرُ، بَيْدُ، قَيْدُ، قَدَاءُ، قَابُ، قَيْسُ (مقدار شیء)، أَكَلُ، بَعْضُ، كَلَّا، ذُو، أَولُو، قَدُّ، قَطُّ وَ حَسْبٍ؛ هستند که جهات سته (فوق، تحت، يمين، شمال، أمام، قُدَّام، خلف، وراء) را شامل می‌شوند. ۲) آن اسم‌هایی که اصلاً اضافه نمی‌شود مثل مذ و منذ وقتی پهلوی آن فعل یا مرفوع یا مضمر یا اسماء اشاره یا موصولات به غیر از آئی و اسماء فعل و کم و کأین باشد. ۳) آنچه مفرد و مضاف واقع می‌شود و این غالب اسماء است. (سیوطی، ۱۴۰۶، ج ۱: ص ۱۹۱)

آن چیزهایی که با اضافه ملازم می‌گردند بر دو نوع‌اند، که یک نوع آن ملازم به مفرد هستند و نوع دیگر ملازم با جمله هستند. که نوع ملازم با مفرد یا قطع شدن آن از اضافه جایز نیست، و نوع دیگر قطع شدن آن از اضافه فقط در لفظ نه در معنی جایز نیست. نوع اول مانند: عند، لَدَى، لَدَن، بَيْنَ، وَسْط، كَلَّا، وَ... نوع دوم مانند: أول، دون، فوق، تحت، يمين، شمال، أمام، قُدَّام، خلف، وراء، قبل و بعد و... (الغایینی، ۱۴۳۱، ص ۵۲۵ و ۵۲۶). لفظ وراء جایز نیست در لفظ (نه در معنی) از اضافه شدن به اسم دیگر قطع شود.

۳-۲- ظرفی که بر مکان دلالت دارند دو نوع‌اند: ۱) ظروف مبهم (صورت و حدود آن نامشخص است) مثل: أمام، خلف، قُدَّام، وراء، فوق، تحت، عند، مع، إِزَاءَ، هُنَّا، ثُمَّ و هر آنچه که شبیه این‌ها است که بنا بر مفعول فیه بودن منصوب خواهند بود. ۲) ظروف مختص (صورت و حدود آن مشخص است) مثل: الدار، الْبَيْتُ، الْمَسْجِدُ که معرب‌اند و به حسب موقعیت و جایگاه‌شان اعراب می‌گیرند. (حاشیة الأجرامية للشيخ: عبد الله العشماوي الأزهرى بر کتاب حفیده بنی عامر) (www.drmosad.com) موسوعه نحو الاعراب

استفاده کرده‌اند اما لفظ خلف را در معنی وراء و در جایگاه آن استعمال نکرده‌اند. اما با نظر عمیق در کلماتی که در قرآن کریم به کار رفته است می‌توان به این مورد دست یافت که هر لفظی در جایگاه خود بهترین و مناسب‌ترین لفظ است و بار معنایی خاص خود را دارد که هیچ لفظ دیگری نمی‌تواند رسالت آن لفظ را ایفا نماید.

* قرآن کریم

- (١) ابن منظور، محمد بن مكرم، (١٤١٤) لسان العرب، دار صادر، بيروت.
- (٢) اصفهانی، حسين بن محمد راغب، (١٤١٢) مفردات ألفاظ القرآن، دار العلم - الدار الشامية، لبنان - سوريا.
- (٣) اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، (١٤٢٠) البحار المحيط فی التفسیر، بيروت.
- (٤) ایزوتسو، توشی هیکو. (١٣٦٠). ساختمان مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن. ترجمه فریدون بدره ای، تهران، قلم.
- (٥) بلاغی نجفی، محمد جواد، (١٤٢٠) آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، قم.
- (٦) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح (١٤١٠) تاج اللغة و صحاح العربية، دار العلم للملائين، بيروت.
- (٧) حسينی شاه عبدالعظیمی، حسين بن احمد، (١٣٦٣) تفسیر اثنا عشری، انتشارات میقات، تهران.
- (٨) حسينی همدانی؛ سید محمد حسين، (١٤٠٤) انوار در خشان، تهران، انتشارات کتابفروشی لطفی.
- (٩) حمیری، نشوان بن سعید، (١٤٢٠) شمس العلوم و دواء كلام العرب من الكلوم، دار الفكر المعاصر، بيروت.
- (١٠) خانی رضا، حشمت الله ریاضی، (١٣٧٢) ترجمه بیان السعاده فی مقامات العبادة، دانشگاه پیامنور، تهران.
- (١١) زمخشری، محمود، (١٤٠٧) الكشاف عن حقائق غواض التنزيل، دار الكتاب العربي، بيروت.
- (١٢) سبزواری نجفی محمد بن حبیب الله، (١٤١٩) ارشاد الاذهان الى تفسیر القرآن، دار التعارف للمطبوعات، بيروت.
- (١٣) سیوطی، جلال الدین، (١٤٠٦) اشباه ونظائر فی النحو، الرساله، بيروت.
- (١٤) صافی محمود بن عبد الرحیم، (١٤١٨) الجدول فی اعراب القرآن، دار الرشید مؤسسه الإیمان، دمشق - بيروت.
- (١٥) صاحب بن عباد، کافی الكفاء، اسماعیل بن عباد، (١٤١٤) المحيط فی اللغة، ١٠ جلد، عالم الكتاب، بيروت.
- (١٦) صادقی تهرانی، محمد، (١٤١٩) البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، بی‌نا، قم.
- (١٧) صفوی، کورش. (١٣٨٣) درآمدی بر معنی شناسی، سوره مهر (حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی) تهران.

- (۱۸) طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴) ترجمه تفسیر المیزان، مترجم موسوی همدانی سید محمد باقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- (۱۹) طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۷) ترجمه تفسیر جوامع الجامع، گروه مترجمان، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
- (۲۰) طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربي، بی‌تا.
- (۲۱) فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰) کتاب العین، انتشارات هجرت، قم.
- (۲۲) کاشانی فتح الله، (۱۳۳۶) تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ناشر کتابفروشی محمد حسن علمی، تهران.
- (۲۳) فضل الله سید محمد حسین، (۱۴۱۹) تفسیر من وحی القرآن، دار الملاک للطباعة و النشر، بیروت.
- (۲۴) فیض کاشانی ملا محسن، (۱۴۱۸) الأصفی فی تفسیر القرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
- (۲۵) فیومی، احمد بن محمد مقری، (بی‌تا) المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، منشورات دارالرضی، قم.
- (۲۶) قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۷) تفسیر احسن الحديث، بنیاد بعثت، تهران.
- (۲۷) قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۱) قاموس قرآن، دار الكتب الإسلامية، تهران.
- (۲۸) الغلایینی، شیخ مصطفی، (۱۴۳۱) جامع دروس عربیه، الامیره، بیروت.
- (۲۹) واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی، (۱۴۱۴) تاج العروس من جواهر القاموس، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت - لبنان.
- (۳۰) معرفت، محمد هادی، (۱۳۹۱) تلخیص التمهید، موسسه التمهید، قم.
- (۳۱) مغنية محمد، جواد، (۱۴۲۴) تفسیر الكاشف، دار الكتب الإسلامية، تهران.
- (۳۲) مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۱) الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، مدرسه امام علی بن ابی طالب، قم.
- (۳۳) مکارم شیرازی؛ ناصر، (۱۳۷۴) تفسیر نمونه، تهران، دار الكتب الإسلامية.
- (۳۴) منجد، محمد نورالدین. (۱۹۹۹م). التضاد فی القرآن الكريم بین النظرية و التطبيق. دمشق: دار الفکر.

كتاب شناسی

- ١ ابن حاجب،(١٤٢٥) **الايضاح على شرح المفصل**، بی جا، انتشارات دار سعد الدين.
- ٢ ابن عطيه اندلسی، عبدالحق بن غالب،(١٤٢٢) **المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز**، دارالكتب العلميه، بيروت.
- ٣ ابو الحسين، احمد بن فارس بن ذكرياء،(١٤٠٤) **معجم مقاييس اللغة**، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم – ایران.
- ٤ امین، نصرت،(١٣٦١) **مخزن العرفان در تفسیر قرآن**، تهران، ناشر: نهضت زنان مسلمان.
- ٥ بحرانی سید هاشم،(١٤١٦) **البرهان في تفسير القرآن**، بنیاد بعثت، تهران.
- ٦ سید کریمی، حسینی سید عباس،(١٣٨٢) **تفسير علیین**، انتشارات اسوه، قم.
- ٧ طبرسی؛ فضل بن حسن،(١٣٦٠) **ترجمه مجمع البيان في تفسير القرآن**، مترجمان، انتشارات فراهانی.
- ٨ طیب سید عبد الحسین،(١٣٧٨) **اطیب البيان في تفسیر القرآن**، انتشارات اسلام، تهران.
- ٩ مصطفوی، حسن، (١٣٨٠) **تفسير روشن**، تهران، مرکز نشر کتاب.
- ١٠ میرزا خسروانی علی رضا، **تفسير خسروی**، تهران، انتشارات اسلامیه، بی تا.
- ١١ نجفی خمینی، محمد جواد،(١٣٩٨) **تفسير آسان**، تهران، انتشارات اسلامیه.
- ١٢ فضل الله، سید محمد حسين،(١٤١٩) **تفسير من وحى القرآن**، دار الملاک للطباعة و النشر، بيروت.
- ١٣ کرمی حوزی، محمد،(١٤٠٢) **التفسیر لكتاب الله المنیر**، چاپخانه علمیه، قم.
- ١٤ مغنية، محمد جواد، **التفسير المبين**، بنیاد بعثت، قم، بی تا.
- ١٥ شرح المقرب لابن عصفور الاشبيلی اندلسی.

